



مبانی و دلایل الحاق مشاهد مشرفه به حرم در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم*

دکتر سلمان علیان لاله مرزی

دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: salman.aliyan@yahoo.com

دکتر محمدصادق علمی^۱

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: sadegh.elmi37@gmail.com

دکتر محمدحسن حائری

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: haeri-m@um.ac.ir

چکیده

این نوشتار نگارندگان در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا از دیدگاه فقیهان امامی، مشاهد مشرفه در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم، به حرم مکی ملحق می‌شوند؟ در پاسخ به این سؤال در خصوص تغلیظ دیه، برخی از فقیهان، الحاق را پذیرفته و برخی دیگر رد کرده‌اند، اما در مورد تأخیر اجرای حکم، فقیهان سه دسته شده‌اند: دسته‌ای الحاق را نفی کرده؛ دسته دیگر دچار تردید شده و دسته سوم آن را پذیرفته‌اند. یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که مشاهد مشرفه در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم تأثیرگذارند؛ چراکه غالب فقیهان دلیل این الحاق را احترام به مشاهد مشرفه ذکر کرده‌اند. یادکردنی است در تأخیر مجازات، علاوه بر وجوب حفظ حرمت این اماکن، روایات وارده، اصل احتیاط و احادیث مربوط به درء حد نیز تقویت کننده دیدگاه الحاق است.

کلیدواژه‌ها: حرم، مشاهد مشرفه، تغلیظ دیه، تأخیر اجرای حکم.

*. مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۳۰

۱. نویسنده مسئول

The Foundations and Arguments for Attaching the Holy Shrines to Haram in terms of Blood Money Increase and Postponement of Executing the Sentence

Salman Alian Lellah Marzi, Ph.D. Ph.D. Graduate of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic law, Ferdowsi University of Mashhad

Mohammad Sadegh Elmi, Ph.D. Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad (corresponding author)

Mohammad Hassan Haeri, Ph.D. Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

The present article seeks to answer the question whether from the viewpoint of Imami jurists the holy shrines are attached to Mecca Haram in terms of blood money increase and postponement of executing the sentence. In answering this question, as regards blood money increase, some jurists have accepted the increase and some others have refused it. But as far as postponement of executing the sentence is concerned, jurists are divided into three categories; a group have refused the attachment; a second group have become hesitant and a third group have accepted attachment. The findings of this article show that holy shrines affect blood money increase and postponement of executing the sentence; since most jurists have mentioned respecting the holy shrines as the reason for this attachment. It should be noted that with regard postponement of executing the punishment, in addition to the necessity of respecting these sites, the narrated Hadiths, the principle of precaution and the narrations concerning repulsion of Hadd reinforce the attachment opinion.

Keywords: Haram, Holy Shrines, Blood Money Increase, Postponement of Executing the Sentence

۱. مقدمه

قداست و ارزش حرم الهی بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه حرم مکه مهم‌ترین حرم مسلمانان و در قرآن کریم حرم امن خوانده شده است. براین اساس، فقیهان امامی معتقدند کسی که در حرم الهی جرم یا جنایتی^۱ را مرتکب شود، علاوه بر حد به دلیل هتک حرمت آنجا مشمول تغلیظ دیه و تعزیر می‌شود؛ مثلاً شیخ مفید ارتکاب زنا در حرم خدا را به دلیل هتک حرمت، مشمول تشدید مجازات (حد زنا و تعزیر) و تغلیظ دیه دانسته است (مفید، ۷۸۲).^۲ غالب فقیهان امامی نیز قریب به همین مضمون را در کلامشان آورده‌اند (طوسی، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، ۶۹۸؛ ابن‌براج، ۵۲۳/۲؛ ابن‌ادریس، ۴۴۷/۳) یا اگر کسی در حرم خدا مرتکب قتل شود، کیفر او تغلیظ می‌شود؛ به این بیان وی ملزم به پرداخت یک دیه کامل و یک سوم از هر جنسی از دیات می‌شود (مفید، ۷۴۳؛ طوسی، *الخلاص*، ۲۲۲/۵-۲۲۳؛ ابن‌ادریس، ۳۲۳/۳؛ عاملی جزینی، *غایه المراد فی شرح نکت الارشاد*، ۴/۹۷؛ ابن‌زهره، ۴۱۴؛ دیلمی، ۲۳۶؛ خمینی، ۵۰۲/۲).

فقیهان امامی در خصوص کسی که در خارج از حرم خدا جرم یا جنایتی را مرتکب و سپس به حرم الهی پناهنده شود، اجرای حدود، قصاص، تعزیر را به دلیل هتک حرمت حرم، در حرم جایز ندانسته و فتوا به تأخیر و تعویق داده‌اند تا مجرم یا جانی از آنجا خارج شود، اما در مورد کسی که در داخل حرم الهی مرتکب جرم یا جنایتی شود، اکثر آنان به دلیل هتک حرمت حرم، قائل به اجرای حکم مجازات آن‌ها در خود حرم شده‌اند (مفید، ۷۸۲-۷۸۳؛ طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ۱۱۷/۷؛ حلی، ۴۵۷/۳؛ شهید ثانی، *مسائل الأفهام*، ۳۸۱/۱۴؛ خویی، ۴۱).

این مقاله در صدد بررسی این ایده است که آیا از دیدگاه فقیهان امامی، مشاهد مشرفه نیز در تغلیظ دیه و در تأخیر اجرای حکم، به حرم مکه ملحق می‌شوند؟ به تعبیر روشن‌تر، آیا کسی که در مشاهد مشرفه مرتکب جرم یا جنایتی شود مثل آنچه در حرم الهی گذشت، به دلیل هتک حرمت حرم پیامبر (ص) و حرم امامان معصوم (ع) مشمول تغلیظ دیه و تشدید مجازات می‌شود؟ و آیا می‌توان حکم مجازات وی را در آنجا جاری ساخت؟ پاسخ این سؤالات و سایر مسائل مربوط، با استناد به ادله و روایات به‌عنوان یکی از منابع استنباط احکام و قواعد موجود و با ابزار استنادی و کتابخانه‌ای مشخص خواهد شد.

یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که مشاهد مشرفه در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم تأثیرگذار هستند. در خصوص پیشینه بحث باید گفت که تحقیق مستقلی درباره مبانی الحاق مشاهد مشرفه به حرم

۱. یعنی عملی برخلاف شرع (قانون) را مرتکب شد. مثل سرقت، زنا و امثال آن.

۲. نظیر قتل نفس محترمه یا قطع عضو یا ایجاد جرح و امثال آن.

۳. «و من زنی فی حرم الله و... حد للزنی و عزز لانتهاکه حرمة حرم الله...»

در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم از دیدگاه فقیهان امامی وجود ندارد و تنها به طور محدود و پراکنده مطالبی در این زمینه به چشم می‌خورد؛ از این رو در تحقیق حاضر با روشی توصیفی تحلیلی اجتهادی به این امر خواهیم پرداخت.

۲. مفاهیم بحث

۲-۱. حرم

حرم مصدر و جایی است که شکستن حرمت آن جایز نیست (شرتونی، ۶۳۳/۱). حریم کعبه، حَرَم نامیده شده؛ زیرا خدای تعالی در آن مکان بیشتر چیزها را تحریم کرده است (راغب اصفهانی، ۲۳۰). بنا بر قول مشهور مراد از حرم، شهر مکه می‌باشد که مساحت تقریبی آن شانزده فرسخ است (حسینی شیرازی، ۹۷).

۲-۲. شاهد مشرفه

شاهد جمع مشهد به محل اجتماع و حضور مردم گفته می‌شود (فراهیدی، ۳۹۸/۳). شهید ثانی شاهد مشرفه را به حرم پیامبران و امامان معصوم (ع) نسبت داده است (روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان، ۸۵۱/۲). مشکینی می‌گوید: «مشاهد تنها اختصاص به معصوم دارد که شامل حرم پیامبر (ص) و امامان اهل بیت (ع) و مشهد انبیای معصوم مثل حرم ابراهیم خلیل (ع) و سایر انبیا در قدس و قبر آدم و نوح در حرم علی (ع) می‌شود، اما این واژه شامل مشاهد غیر معصومان مثل حرم سید عبدالعظیم (ع) در ری و فاطمه معصومه (س) در قم و... نمی‌شود» (ر.ک: مشکینی، ۵۲۳-۵۲۵).

۲-۳. تغلیظ (تشدید)

تغلیظ (تشدید) به معنای شدت دادن و سخت‌گیری است (حمیری، ۴۹۹۶/۸؛ ابن منظور، ۴۴۹/۷). از این واژه بیشتر در بحث‌های قضا، حدود و دیات و نیز امر به معروف و نهی از منکر استفاده شده است. در مجموع، فقیهان در مباحث فوق به دو نوع تغلیظ اشاره کرده‌اند: یکی تغلیظ قولی و دیگری تغلیظ عملی و رفتاری. تغلیظ قولی یعنی برخورد تند و خشن در گفتار. شهید اول در بحث مراتب امر به معروف و نهی از منکر به تغلیظ قولی اشاره کرده است (شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ۸۴)، اما تغلیظ عملی یعنی برخورد تند و شدید در عمل. برخی از مصادیق تغلیظ عملی عبارت‌اند از: ارتکاب زنا در مسجد الحرام و شاهد مشرفه و... (ر.ک: صاحب‌جواهر، ۶۴۴/۴۱-۶۴۵-۶۴۷؛ ۲۶/۴۳).

تشدید مجازات در حقوق، به معنای افزودن مجازات مقرر در قانون نسبت به جرم معین در مورد مجرم معین به علت اوضاع و احوال موجود در مورد جرم آن مجرم است. (جعفری لنگرودی، ۶۱۶) اعمال تشدید

مجازات ممکن است به صورت افزایش میزان مجازات، افزایش تعداد مجازات، تبدیل به مجازات شدیدتر و... باشد (نوروزی فیروز، ۲۹۷).

۳. الحاق مشاهد مشرّفه به حرم الهی در تغلیظ دیه

فقیهان امامی به اتفاق در مسئله زنا، حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان معصوم(ع) را ملحق به حرم الهی و ارتکاب زنا در آن مکان‌ها را علاوه بر حد، مشمول تعزیر دانسته‌اند (مفید، ۷۸۲؛ طوسی، ^۱النهایه فی مجردالفقه و الفتاوی، ۶۹۸؛ ابن‌ادریس، ۴۷/۳؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۵۳۴/۳؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۴۰۰/۱۴؛ فاضل هندی، ۴۸۹/۱۰؛ خمینی، ۴۶۸/۲). در این مسئله علاوه بر هتک حرمت که در بیان شیخ مفید (مفید، ۷۴۳) و دیگران آمده، می‌توان به دلایل فقیهان امامی بدین شرح اشاره کرد: عدم خلاف (طباطبائی، ۴/۱۶)،^۲ اعتبار عقلی (صاحب‌جواهر، ۳۷۳/۴۱-۳۷۴-۳۷۳/۴۱؛ طباطبائی، ۵۳۳/۱۵؛ مقدس اردبیلی، ۸۳/۱۳-۸۴) و روایت امام علی(ع) درباره نجاشی شاعر (بروجردی، ۸۷۴/۳۰)^۴ از باب ملاک تجری.

اما در مسئله قتل، میان فقیهان امامی اختلاف نظر وجود دارد. بعضی از فقیهان، حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان معصوم(ع) را به حرم الهی ملحق و وقوع قتل در آن مکان‌ها را مشمول تغلیظ و تشدید دانسته‌اند و بعضی دیگر، چنین الحاقی را فاقد دلیل دانسته و وقوع قتل در حرم مدینه و مشاهد امامان(ع) را مشمول تغلیظ ندانسته‌اند. از جمله موافقان الحاق، شیخ طوسی در *النهایه* است. وی وقوع قتل در مشاهد امامان(ع) را مثل حرم الهی مشمول تغلیظ دیه دانسته و می‌نویسد: «هر کس مرتکب قتل دیگری در حرم شود، در صورت موافقت با اخذ دیه، مشمول پرداخت دیه و ثلث دیه می‌شود. دیه، به خاطر ارتکاب قتل و ثلث دیه، به خاطر هتک حرمت» (طوسی، ۷۵۶).^۵ قاضی ابن‌براج در *المهذب*

۱. «و من زنی فی حرم الله أو حرم رسوله أو حرم أحد من الأئمة یوجب التعزیر تغلیظ العقوبة».

۲. «بلاخلاف یظهر» گلبایگانی نیز همین دلیل را در کلامش آورده است. «عدم الخلاف فی»

۳. «... و یؤیّده الاعتبار» «رعایت حرمت مکان‌های شریف، امر لازم و بدیهی است و عقل آن را معتبر می‌داند و هتک حرمت محترمت را جایز نمی‌داند».

۴. «و عن علی ع أنّه أتى بالنجاشیّ الشّاعر و قد شرب الخمر فی شهر رمضان فجلده ثمانین جلدته، ثمّ حبسه، ثمّ أخرجه من غاب، فصرّبه تسعة و ثلاثین سوطاً، فقال: بما هذه العیالوة یا امیر المؤمنین؟ قال لتجرّک علی الله و إفتارک فی شهر رمضان»

«نجاشی شاعر در روز ماه رمضان شراب خورده بود و علی(ع) هشتاد تازیانه به او زدند، سپس به دستور حضرت یک شب زندانی شد. فردای آن روز سی‌ونه تازیانه دیگر زد، سؤال کرد: یا امیرالمؤمنین این اضافه برای چه بود؟ حضرت فرمودند: به خاطر جرئت تو در برابر خدا و افتارت در روز ماه رمضان -یعنی بی‌حرمتی به ماه رمضان. در این روایت، تعزیر زائد بر حد، هم بر بی‌حرمتی به ماه مبارک رمضان (جرئت بر شرب خمر) تعلق پیدا کرد و هم بر افتار در آن ماه و بی‌حرمتی قابل تعمیم به محل بحث خواهد بود. درحالی‌که اگر ملاک صرفاً افتار بود، قابل تعمیم نبود».

۵. «و من قتل غیره فی الحرم... و أخذت منه الدیة، کان علیه دیه و ثلث: دیه للقتل و ثلث الدیة لانتهاکه حرمة الحرم... و كذلك الحکم فی

(۵۱۵/۲) نیز قریب به همین مضمون را در کلامش آورده است. محقق حلی در نکت النهایه، با ذکر کلمه «حَسَن» نظر شیخ طوسی را نیکو شمرده (۴۰۵/۳)^۱ و صاحب جواهر الحاق مذکور را بعید ندانسته و گفته است: «الحاق مرقدهای منوره در تغلیظ به مکه، بعید نیست». وی سپس در تعلیل این بیان خود می‌گوید: «تغلیظ مذکور (تغلیظ در حرم) به خاطر هتک حرمت حرم مکه است که به طور قطع، این هتک حرمت در مرقاد منوره شدیدتر از حرم مکه وجود دارد»^۲ (۲۹/۴۳). علامه حلی در تحریر می‌نویسد: «دیة نفس به وسیله سه امر، تغلیظ و تشدید می‌شود: وقوع قتل در حرم الهی و حرم رسول خدا(ص) یا یکی از مشاهد امامان(ع)» (۲۶۸/۲)^۳.

ابن فهد حلی، سبب تغلیظ دیه را سه امر دانسته است که دلیل سوم این است که جنایت در حرم مکه یا مدینه یا یکی از مشاهد امامان(ع) واقع شود (۴۴۰)^۴.

هر چند واژه قتل در کلام فقیهان امامی شامل اقسام قتل می‌شود اما با توجه به تعلیل موجود (هتک حرمت) در کلام آنان، تنها شامل قتل عمد است؛ چراکه در دیگر اقسام قتل، قاتل قصد هتک حرمت ندارد و واژه جنایت نیز که در فقه به قتل و جرح و ضرب تقسیم می‌شود به همان دلیل فوق شامل جنایت عمدی بوده؛ پس تغلیظ، خاص عمد است.

نکته قابل ذکر اینکه در ارتکاب جنایت نسبت به اعضا در حرم خدا و نیز در مشاهد تغلیظ ثابت نیست، چنان که در کلام فقیهان نیز به آن تصریح شده است (علامه حلی، تحریر الاحکام، ۵۶۲/۵؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ۳۶۰/۱۶).

از جمله مخالفان الحاق در مسئله قتل، ابن ادریس در سرائر است. وی مسئله الحاق را رد کرده و می‌گوید: «دلیلی از کتاب، سنت و اجماع بر آن الحاق وجود ندارد» (۳۶۴/۳)^۵.
به نظر صاحب ریاض مقتضای اصل، عدم الحاق است (طباطبایی، ۱۸۶/۱۴).

مقدس اردبیلی گفته است: «بر فرض پذیرش تغلیظ در حرم مکه، مدینه و مشاهد مشرفه را نمی‌توان با آن قیاس کرد» (۲۲۱/۱۴)^۶. سبزواری (۸۷/۲۹) و امام خمینی (۵۵۸/۲) نیز همین نظر را تأیید کرده‌اند.

مشاهد الأئمة علیهم السلام»

۱. «و أما قوله: و كذلك الحكم في مشاهد الأئمة علیهم السلام فشيء ذكره الشيخان، و هو حسن»
۲. «و لا یبعد إلیحاق المرقاد المنورة بذلك فی التغلیظ... أن من المعلوم كون التغلیظ المزبور لانتهاك الحرمه التي هی فیها أشد فی الحرم قطعاً»
۳. «و يتغلظ هذه الذیة بأمور ثلاثة و هی الوقوع فی حرم الله تعالى و حرم رسوله أو أحد مشاهد الأئمة(ع) علی ما أفتی به الشيخ فی النهایة»
۴. الثالث: مكان الجنایة، بأن يقع فی أحد الحرمین، أو أحد مشاهد الأئمة علیهم السلام»
۵. «إذا جنی فی غیر حرم الإمام الذی هو المشهد، ثم التجأ إلی المشهد، ضیق علیه فی المطعم و المشرب، بان لا یباع، لیخرج فقیام علیه الحد، ألا انه إذا قتل فیهِ و أخذت منه الذیة وجبت علیه الذیة و ثلث لانه لا دلیل علی ذلك من كتاب أو سنة أو إجماع»
۶. «هل یوجد التغلیظ فی غیره مثل حرم مکه؟ الظاهر العدم، لعدم الدلیل، و القیاس علی الشهر و كفارة الصيد، غیر حجّة، مع ذلك قال به الشیخان، و هما أعرف. و علی تقدیره لا یقاس علیه المدینة و المشاهد»

فاضل لنکرانی می‌گوید: «اطلاق حرم تنها به حرم مکه معظمه که احکام خاصی دارد، انصراف داشته نه چیز دیگری مثل صید و بر الحاق حرم مدینه یا مشاهد مشرفه به حرم مکه معظمه دلیلی نداریم؛ بنابراین قتل در آن مکان‌ها مانند قتل در سایر اماکن عادی است» (تفصیل الشریعه/۴۰).

به نظر می‌رسد دیدگاه بزرگانی چون شیخ مفید و شیخ طوسی در الحاق حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان(ع) به حرم الهی در تغلیظ دیه، بیشتر قابل دفاع است؛ چراکه این بزرگان دلیل این الحاق را حرمت و احترام اماکن یادشده، ذکر و در فرض هتک حرمت، الحاق را مسلم فرض کرده‌اند.

۴. الحاق مشاهد مشرفه به حرم الهی در تأخیر اجرای حکم

در شریعت اسلامی، اجرای حدود یکی از ضروری‌ترین مسائل اجتماعی و از تکالیف مهم حکومت و متضمن بقای جامعه اسلامی است؛ از این رو اگر حدی بر کسی ثابت شود، تأخیر آن مطابق قاعده اولیه جایز نیست و هر نوع تأخیر در اجرای آن بدون دلیل، به مثابه تعطیل قانون الهی و سرپیچی در برابر آن محسوب می‌شود. حضرت علی(ع) فرمودند: «در اجرای حدود حتی برای يك لحظه هم جای تأخیر نیست» (حرعاملی، ۴۷/۲۸).^۱ علی‌رغم توجه و تأکید شارع مقدس بر وجوب اجرای حدود الهی، حاکم اسلامی می‌تواند در شرایط خاصی از قبیل جلوگیری از هتک حرمت اماکن مقدس، اجرای حد یا قصاص یا تعزیر را به تأخیر اندازد.

فقیهان امامی در خصوص الحاق مشاهد مشرفه به حرم الهی در تأخیر اجرای حکم، دیدگاه‌های مختلفی را بیان کرده‌اند: عده‌ای قائل به الحاق شده‌اند. این گروه به دو دسته تقسیم شده‌اند: دسته‌ای حرم مدینه پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) را به حرم مکه ملحق و دسته دیگر تنها حرم مدینه پیامبر را به حرم مکه ملحق کرده‌اند. دسته دوم در مسئله الحاق دچار تردید شده‌اند و دسته سوم الحاق را نفی کرده‌اند.

از جمله موافقان الحاق، شیخ مفید است. وی قائل به الحاق مشاهد پیامبر(ص) و امامان(ع) به حرم الهی شده است. در المقنعه آمده است: «هر کس مرتکب جنایتی شود که موجب مجازات است، سپس به مشاهد امامان(ع) از خاندان محمد(ص) پناه ببرد، با او همان رفتاری خواهد شد که نسبت به مجرم پناهنده به حرم شده است. اما اگر کسی در آن مکان مرتکب جنایتی شود، در همان جا حد بر او جاری می‌شود؛ زیرا حرمت آنجا را شکسته و حق آن را نشناخته است» (مفید، ۷۴۴)^۲ شیخ طوسی نیز قائل به

۱. «عن السُّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَيْسَ فِي الْخُدُودِ نَظْرٌ سَاعَةً».

۲. «و من جنی ما يستحق علیه عقاباً فلجاً إلى مشهد من مشاهد أئمة الهدى من آل محمد(ع) صنع به كما يصنع بمن يلجأ إلى الحرم مستعصماً من إقامة الحدود علیه فإن كانت الجنایة منه فی المشهد أقیم علیه حد الله عز و جل فيه لأنه انتهك حرمة و لم يعرف حقها».

الحاق حرم پیامبر یا حرم یکی از امامان (ع) به حرم الهی شده و گفته است: «حکم در مشاهد امامان (ع) نیز مثل حکم حرم مکه است» (طوسی، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، ۷۵۶). وی در جای دیگر می‌گوید: «بر کسی که به حرم الهی و حرم پیامبر و یا حرم یکی از امامان (ع) پناه برده باشد، حد جاری نمی‌شود؛ بلکه در غذا و آب بر او سخت‌گیری می‌کنند و از خرید و فروش و مشورت با او خودداری می‌کنند تا از حرم بیرون بیاید، سپس حد بر او جاری می‌شود. پس اگر در حرم کاری کند که موجب حد باشد، حد بر او جاری می‌شود، هر نوع حدی که باشد» (همو، ۷۰۲).

شیخ مفید و شیخ طوسی ضمن تأیید الحاق و تساوی آن دو، بر این نکته نیز تأکید کرده‌اند که هیچ نوع حدی از قبیل رجم، تازیانه، قطع دست و قتل، بر مجرم پناهنده به مشاهد مشرفه جاری نخواهد شد و به تأخیر می‌افتد.

فاضل مقداد، نظر شیخ مفید و شیخ طوسی را قریب به صحت دانسته است (فاضل مقداد، ۴/۴۶۰). ابن‌ادریس نیز کلام شیخ مفید و شیخ طوسی را تأیید کرده است (ابن‌ادریس، ۳/۳۶۴-۴۵۷). علامه در تحریر، مسئله الحاق را تأیید کرده و حکم حرم الهی را به حرم پیامبر (ص) و حرم امامان (ع) تسری داده است (۳۲۴/۵)، اما در قواعد این مسئله را با «قیل» تعبیر کرده است (۳/۶۶۸). محقق حلی نیز در ذکات النهایه مسئله الحاق حرم امامان (ع) به حرم الهی را نیکو شمرده است (۳/۴۰۵).

صاحب‌ریاض می‌گوید: «بی‌شک آنچه بیان شد مطابق با احتیاط است» (طباطبایی، ۲/۵۲۸). مجلسی مسئله الحاق را به بعضی از علما نسبت داده و می‌نویسد: «بعضی از علما بدون اینکه استنادی بیاورند، در این حکم (حرمت اجرای حد در حرم) حرم حضرت رسول (ص) و مشاهد مقدسه امامان معصوم (ع) را به حرم مکه ملحق ساخته‌اند» (مجلسی، ۱۷). در جامع المسائل آمده است: «به کسی که پناه به حرم در مکه برده و همچنین در حرم نبی (ص) و امامان معصوم (ع)، حد جاری نمی‌شود (مگر آنکه جنایت در حرم بوده باشد) چه جلد باشد و چه رجم، بلکه تضییق در مطعم و مشرب او می‌شود تا خارج شود و بر او اقامه حد شود» (بهجت، ۲۸۵/۵). وی در جای دیگر، فتوای خود را در مسئله الحاق حرم رسول خدا (ص) و امامان (ع) به حرم مکه اعلام کرده و گفته است: «الحاق مشرفه نبی و امامان (ع) یعنی بلادی که قبر مقدس در آنها است، بلکه مطلق مساجد خالی از وجه نیست» (همو، ۴۸۰/۵). به نظر مکارم شیرازی در انوار الفقاهه، مراد از «حرم» همان حرم مکه است اما دلیل احترام علاوه بر حرم، شامل حرم رسول خدا (ص) و امامان (ع) نیز می‌شود؛ چون اجرای حد علیه مجرمان در

۱. «لا یحلت من التجأ إلى حرم الله، أو حرم رسوله، أو أحد الأئمة عليهم السلام بل یضیق علیه فی المطعم و المشرب لیخرج و یتوفی منه الحد»

حرم آنان، با احترام آنان منافات دارد (۳۵۴). اما ابن حمزه در الوسيله تنها به الحاق حرم پیامبر (ص) بسنده نموده و هیچ اشاره‌ای به حکم مشاهد امامان (ع) نکرده است (طوسی، ۴۱۲). صاحب‌شرايع، مسئله الحاق را با تردید بیان کرده و نظر قطعی خود را بیان نکرده است (محقق حلی، ۲۲۹/۴). اصیمری می‌گوید: «دلیل تردید ایشان این است که جواز قصاص در مشهد امام محتمل است؛ زیرا در جایی که به حرم پناهنده می‌شود، به دلیل وجود اجماع اصل عدم وجوب تأخیر حق، خارج می‌شود و بر اصل جواز خود باقی می‌ماند؛ براین اساس قول اول (عدم تأخیر قصاص) مورد اعتماد است» (۴۲۲-۴۲۱/۴). در این مسئله سبحانی نیز توقف را اولی دانسته است (۸۱/۱). اما گروهی از فقیهان الحاق حرم پیامبر (ص) و مشاهد امامان (ع) به حرم الهی را نپذیرفته‌اند و مراد از حرم را همان حرم معهود و متعارف، یعنی حرم کعبه (مکه) شریف دانسته و استنادات معتقدان به الحاق را انکار یا تضعیف کرده‌اند. صاحب‌جواهر می‌نویسد: «هیچ دلیلی مبنی بر اثبات الحاق آن دو به حرم الهی وجود ندارد، بلکه مراد از حرم، همان حرم معهود و متعارف یعنی حرم کعبه (مکه) شریف است» (۳۴۵/۴۱). در روایت ابوحمزه از امام صادق (ع) نیز همین مقصود ظاهر است. ابوحمزه می‌گوید: «از حضرت صادق (ع) درباره این قول خداوند متعال (مَنْ دَخَلَ كَانْ آمِنًا) پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمودند: اگر سارق در غیر مکه سرقتی کند یا جنایتی را مرتکب شود، سپس به مکه فرار کند تا وقتی که در حرم است، دستگیر نمی‌شود مگر اینکه از آن خارج شود» (کلینی، ۲۲۷/۴).^۲ در این حدیث به ذکر حرم اکتفا شده و هیچ اشاره‌ای به حرم پیامبر (ص) و مشاهد مشرفه (ع) نشده است. شهید ثانی در شرح لمعه، مستند الحاق مسجد پیامبر (ص) و مشاهد مشرفه (ع) به حرم الهی را ضعیف دانسته است (۲۰۴/۱). وی در مسالک می‌گوید: «در این خصوص، منبع صالحی در دست نیست» (۳۸۲/۱۴). محقق اردبیلی می‌نویسد: «حرم پیامبر (ص) و مشاهد امامان (ع) با حرم الهی مقایسه نمی‌شود؛ چراکه مقایسه باطل است» (مقدس اردبیلی، ۲۲۳/۱۴).

خوبی بعد از رد الحاق حرم پیامبر (ص) و مشاهد امامان (ع) به حرم الهی، می‌نویسد: «هرچند شرافت و حرمت مشاهد مشرفه بیشتر از حرم الهی باشد، اما این مسئله موجب ثبوت احکام حرم برای آن اماکن نمی‌شود. بدیهی است ثبوت حکم تابع دلیل است و آن دلیل، اختصاص به حرم الهی دارد؛ لذا اثباتش برای مشاهد مشرفه (ع) به خاطر فقدان دلیل ممکن نیست و فرض این است که ما نمی‌دانیم ملاک ثبوت حکم، تنها حرمت و شرافت حرم بوده است» (۴۲). این گروه از فقیهان به خاطر نبود دلیل، به همان حرم الهی که قدر متیقن است بسنده کرده و تأخیر اجرای حکم مجرم پناهنده به مشاهد مشرفه را

۱. «لوجنی فی الحرم اقتص منه لانهاکه الحرمه و هل یلزم مثل ذلك فی مشاهد الأئمة (ع) قال به فی النهایه»

۲. (علی بن ابی حمزه عن ابی عبد الله (ع) قال: «سألته عن قول الله عز و جل - وَمَنْ دَخَلَهُ كَانْ آمِنًا؟ قَالَ إِنْ سَرَقَ سَارِقٌ بَغَيْرِ مَكَّةَ أَوْ جَنَى جَنَائَةً عَلَى نَفْسِهِ فَقَرَّ إِلَى مَكَّةَ لَمْ يُؤْخَذْ مَا دَامَ فِي الْحَرَمِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ...»)

نپذیرفته‌اند. از نظر نگارنده، دلایلی وجود دارد که دلالت بر الحاق مشاهد مشرفه به حرم الهی در تأخیر مجازات دارد: ۱. اجماع، فاضل مقداد از جمله کسانی است که مسئله الحاق را اجماعی می‌داند (فاضل مقداد، ۴/۴۶۰).

۲. سنت، هشام بن حکم از امام صادق (ع) روایت کرد که حضرت فرمودند: «کسی که در غیر حرم مرتکب جنایتی شود و سپس به حرم پناهنده شود، علیه او اقامه حد نمی‌شود» (طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۱۶/۱۰). در این روایت لفظ حرم به طور عام، علاوه بر حرم الهی شامل مشاهد مشرفه نیز می‌شود؛ چنان‌که در النهایة (طوسی، ۷۰۲) و السرائر (ابن ادریس، ۴۵۷/۳) نیز همین مقصود تأیید شده است. علاوه بر آن روایاتی وجود دارد که در آن از مدینه و مشاهد امامان نیز، اطلاق حرم شده است. پیامبر خدا (ص) فرمودند: «مدینه حرم است، از کوه عیر تا کوه ثور» (ابن حیون، ۲۹۵/۱) امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند حرمی دارد که مکه است و پیامبر (ص) هم حرمی دارد و آن مدینه است و امیرالمؤمنین (ع) حرمی دارد که کوفه است و ما [اهل البیت] حرمی داریم که شهر قم است. (مجلسی، بحارالانوار، ۲۱۶/۶۰) روایات دیگری نیز به همین مضمون در دیگر کتب روایی بیان شده است (ر.ک: کلینی، ۴/۵۶۴؛ حرعاملی، ۱۴/۵۱۰-۵۱۳).

فیض کاشانی در مفاتیح الشرائع گفته است: «در روایاتی که اسم حرم بر آن اماکن اطلاق شده، مناسب بزرگداشت آن مکان‌ها است» (۱/۳۹۳). صاحب ارشاد القلوب درباره فضیلت مشهد شریف منطقه کوفه و نجف می‌گوید: «از ویژگی‌های تربت کوفه و نجف این است که عذاب برداشته می‌شود و برای کسی که در آن سرزمین دفن شود، محاسبه نکیر و منکر نیست». وی در این خصوص حدیثی از امام صادق (ع) نقل می‌کند، حضرت فرمودند: «کوفه و نجف، قطعه‌ای از کوهی است که خداوند بر فراز آن با موسی صحبت کرد و آن را مقدس قرار داد و حضرت ابراهیم (ع) را دوست خود و حضرت محمد (ص) را حبیب خود برگزید و آنجا را مسکن پیامبران قرار داد» (دیلمی، ۲/۴۳۹). جمیل بن دراج می‌گوید: «امام صادق (ع) به نقل از پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: میان منبرم و خانه‌هایم باغی از باغ‌های بهشت و منبرم بر دری از درهای بهشت است و نماز در مسجدم با هزار نماز در سایر مساجد به جز مسجدالحرام برابری می‌کند. عرض کردم: خانه‌های پیامبر (ص) و خانه علی (ع) از جمله آن مساجد است؟ فرمودند: بله

۱. «ابن ابي عمير عن هشام بن الحكم عن ابي عبد الله (ع) في الرجل يجني في غير الحرم ثم يلجأ إلى الحرم قال لا يقام عليه الحد...»

۲. «قال رسول الله (ص) المدينة حرم ما بين عير إلى ثور...»

۳. «إن لله حرمًا وهو مكة، وإن للرسول حرمًا وهو المدينة، وإن لأمير المؤمنين حرمًا وهو الكوفة، وإن لنا حرمًا وهو بلدة قم...»

۴. «روى عن ابي عبد الله عليه السلام أنه قال: الغري قطعة من الجبل الذي كلم الله عليه موسى تكليمًا، و قدس عليه تقدسًا، و اتخذ عليه ابراهيم خليلاً، و محمداً صلى الله عليه وآله حبیباً، و جعله للنبیین مسکناً»

و بافضیلت تر است» (کلینی، ۵۵۶/۴).^۱ به نظر می‌رسد دیدگاه بزرگانی چون شیخ مفید و شیخ طوسی در الحاق حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان معصوم(ع) به حرم الهی در تأخیر اجرای حکم بیشتر قابل دفاع است، زیرا وجوب حفظ حرمت و احترام آن اماکن به دلیل روایاتی که نقل شد، انکارشدنی نیست و یکی از آثار احترام این است که مجرمان و جانیانی که به آنجا پناه می‌برند، از هر آسیبی مصون باشند. علاوه بر آن، اصل احتیاط^۲ و احادیث مربوط به درء الحد^۳ نیز، این دیدگاه را تقویت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در بحث الحاق و عدم الحاق مشاهد مشرفه به حرم، ابتدا باید مقصود از حرم روشن شود. اگر بگوییم منظور از حرم همان مسجدالحرام است، در این صورت الحاق مشاهد مشرفه به حرم مشکل می‌شود؛ چراکه قداست و ارزش مسجدالحرام در سطح بالاتری از حرم پیامبر(ص)، مسجد کوفه، حرم حضرت علی(ع)، حرم امام حسین(ع) و سایر مشاهد مشرفه قرار دارد. اما اگر بگوییم منظور از حرم علاوه بر مسجدالحرام، شهر مکه و بخشی از اطراف آن است، در این صورت می‌توان مشاهد مشرفه را به حرم ملحق کرد؛ زیرا با توجه به روایات متعددی که قبلاً بیان شد، قداست و ارزشی که حرم پیامبر(ص)، حرم امام حسین(ع) یا امام علی(ع) و سایر مشاهد مشرفه دارد، کمتر از قداست حرم یعنی شهر مکه و بخشی از اطراف آن نیست، چنان‌که مشهور فقیهان بیان کرده‌اند. نگارنده نیز با قبول قول مشهور بر این باور است که مشاهد مشرفه در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم، تأثیرگذار هستند؛ چون غالب فقیهان دلیل آن را احترام اماکن یادشده، ذکر کرده‌اند و حفظ حرمت و احترام آن اماکن به دلیل روایات و سایر دلایلی که نقل شد، واجب و غیرقابل انکار است و در فرض هتک حرمت، الحاق را مسلم فرض کرده‌اند. علاوه بر آن، در موضوع تأخیر، اصل احتیاط و احادیث درء الحد نیز این دیدگاه را تقویت می‌کنند.

۱. «عن جوبیل بن درّاج قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول قال رسول الله (ص) ما بين منبري و بيوتي روضة من رياض الجنة و منبري على ترعة من ترع الجنة و صلاة في مسجدي تغلبل ألف صلاة فيما سواه من المساجد إلا المسجد الحرام قال جميل قلت له بيوت النبي ص و بيوت علي منها قال نعم و أفضل»

۲. هر مکلفی مطابق اصل احتیاط، لازم است در برخورد با مسائل مشتبه احتیاط نماید و مرتکب شبهات نشود.

۳. الحدود تدور بالشبهات.

منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

- آل عصفور، حسین بن محمد، *سداد العباد و رشاد العباد*، قم، کتاب فروشی محلاتی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، بی تا.
- ابن ادريس، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن براج، عبد العزيز بن تحرير، *المهذب*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- ابن حمزه، محمد بن علی، *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*، قم، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- ابن زهره، حمزة بن علی، *غنية النزوع إلى علمی الأصول والفروع*، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ابن سعید، یحیی بن احمد، *الجامع للشرائع*، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقانیس اللغة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، *المقتصر من شرح المختصر*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، *الكافي في الفقه*، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- بهجت، محمد تقی، *جامع المسائل*، قم، دفتر معظم له، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشرعیه*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- حسینی شیرازی، سید صادق، *التعليقات على شرائع الإسلام*، قم، انتشارات استقلال، چاپ ششم، ۱۴۲۵ق.
- حکیم، محمد سعید، *منهاج الصالحین (المعاملات)*، قم، دار الهلال، چاپ اول، ۱۴۳۳ق.
- _____، *مسائل معاصرة في فقه القضاء*، نجف اشرف، دار الهلال، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
- حمیری، نشوان بن سعید، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*، بیروت، دار الفكر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- خمینی، روح الله، *تحریر الوسيلة*، قم، منشورات المكتبة الاعتماد، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق.
- خونی، ابوالقاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخونی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

- ديلمي، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب*، قم، الشريف الرضى، چاپ اول، ۱۳۷۱ق.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد، *المفردات فى غريب القرآن*، بيروت، دار الشاميه، چاپ اول، ۵۰۲ق.
- سبحاني، جعفر، *أحكام الديات فى الشريعة الإسلامية الغراء*، قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۳۹۲ق.
- سبزواری، عبدالاعلی، *مهذب الاحكام فى بيان حلال و الحرام*، قم، مؤسسه المنار دفتر حضرت آية الله، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
- سلار ديلمى، حمزه بن عبدالعزيز، *المراسم العلوية و الأحكام النبوية فى الفقه الإمامي*، قم، منشورات الحرمين، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- شرتونى، سعيد، *اقرب الموارد فى فصيح العربية والشوارد*، تهران، منظمة الاوقاف والشؤون الخيرية، دار الاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶.
- شهيد اول، محمد بن مكى، *اللمعة الدمشقية فى فقه الإمامية*، بيروت، دار التراث الدار الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- _____، *غاية المراد فى شرح نكت الإرشاد*، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على، *مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- _____، *الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - سلطان العلماء)*، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- _____، *روض الجنان فى شرح إرشاد الأذهان*، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، *جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام*، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
- صيمرى، مفلح بن حسن، *غاية المرام فى شرح شرائع الإسلام*، بيروت، دار الهادي، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- طباطبايى، على بن محمد، *رياض المسائل فى تحقيق الأحكام بالدلائل (ط-القديمه)*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- طوسى، محمد بن حسن، *النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى*، بيروت، دار الكتاب العربى، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
- _____، *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- _____، *المبسوط فى فقه الاماميه*، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
- _____، *تهذيب الأحكام*، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

علامه حلي، حسن بن يوسف، **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان**، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمية قم، چاپ اول، ١٤١٠ق.

_____، **تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط-الحديثه)** قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ١٤٢٠ق.

_____، **تذكرة الفقهاء (ط-الحديثه)**، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ١٤١٤ق.

_____، **قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام**، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول، ١٤١٣ق.

_____، **مختلف الشيعة في أحكام الشريعة**، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ دوم، ١٤١٣ق. فاضل لنكراني، محمد، **تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة- الحدود**، قم، مركز فقهی انمه اطهار (ع)، چاپ اول، ١٤٢٢ق.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، **التنقيح الرائع لمختصر الشرائع**، قم، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی (ره)، چاپ اول، ١٤٠٤ق.

فاضل هندی، محمد بن حسن، **كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام**، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول، ١٤١٦ق.

فراهیدی، خليل بن احمد، **كتاب العين**، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ١٤١٠ق. فقحانی، علی بن علی، **الدر المنضود في معرفة صيغ النيات والإيقاعات والعقود- رسالة في العقود والإيقاعات**، قم، مكتبة إمام العصر (عج) العلمية، چاپ اول، ١٤١٨ق.

فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى، **مفاتيح الشرايع**، قم، كتابخانه آية الله مرعشي نجفی، چاپ اول، بی تا. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، **فقه القرآن**، قم، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی (ره)، چاپ دوم، ١٤٠٥ق. كلینی، محمد بن یعقوب، **الکافي (ط-الإسلامية)**، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام**، بيروت، مؤسسة الطبع والنشر، چاپ اول، ١٤١٠ق.

_____، **حدود وقصاص وديات**، تهران، مؤسسه نشر آثار اسلامي، چاپ اول، بی تا. محقق حلي، جعفر بن حسن، **شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام**، قم، مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم، ١٤٠٨ق.

_____، **النهاية و نكتها**، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول، ١٤١٢ق.

_____، **المختصر النافع في فقه الاماميه**، قم، مؤسسة المطبوعات الدينية، چاپ ششم، ١٤١٨ق.

محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، **ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد**، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول،

۱۲۴۷ق.

مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین، *القصاص علی ضوء القرآن و السنة*، قم، انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی قدس سره، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

مشکینی، علی، *مصطلحات الفقه*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ق.

مفید، محمدبن محمد، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الفقاهه، (کتاب الحدود و التعزیرات)*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ۱۳۷۷.

نوروزی فیروز، رحمت‌الله، *حقوق جزای عمومی*، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی